



The Role of Community-Based Rural Tourism in Explaining the Concept of Self-Reliance in Tourist-Friendly Villages

Case study: Sarein County

Bahram Imani ¹

1. Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
Email: Bahram_imani60@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 23 December 2024 Received in revised form: 22 March 2025 Accepted: 11 May 2025 Published online: 06 July 2025 Keywords: Community-Based Rural Tourism, Rural Tourism, Sarein, Self-Reliance.	In recent decades, community-based rural tourism has garnered significant attention as one of the most significant forms of tourism. Additionally, the concept of self-reliance in tourist villages is a critical and influential concept in the field of sustainable development and local self-sufficiency that is adhered to by numerous communities. The present study is of a hybrid nature and is applied in terms of purpose. The research method used in it is a mixed one that uses a sequential-exploratory approach. The primary dimensions and components of the concept of self-reliance of community-based rural tourism in tourist villages are identified and extracted in the first phase using the qualitative focus group method. In the second phase, the quantitative survey method is employed to provide comments on their confirmation and reliability. The initial phase employed library studies and semi-structured interviews to gather data and information from 17 pertinent experts. In the subsequent phase, a questionnaire was employed to gather information. The research findings indicate that 231 raw codes were collected and categorized using an inductive approach into 83 main themes, 24 integrative themes, and 4 overarching themes. Additionally, all extracted components and indicators were authorized during the second phase. The research results indicate that community-based rural tourism is a strategic pillar in the concept of self-reliance of tourist villages in Sarein County. Additionally, the utilization of community-based rural tourism can be an effective strategy for revitalizing rural communities from a sustainable development perspective.

Cite this article: Imani, B. (2025). The Role of Community-Based Rural Tourism in Explaining the Concept of Self-Reliance in Tourist-Friendly Villages; Case study: Sarein County. *Community Development (Rural-Urban)*, 17 (1):45-61.
<https://doi.org/10.22059/jrd.2025.395753.668922>



Authors retain the copyright and full publishing rights. Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.395753.668922>

نقش گردشگری روستایی جامعه‌محور در توسعه مفهوم خوداتکایی روستاهای گردشگری

مورد مطالعه: شهرستان سرعین

بهرام ایمانی^۱^۱. گروه برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: bahram_imani60@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۲۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۴/۱۵	گردشگری روستایی جامعه‌محور یکی از مهم‌ترین انواع گردشگری است که در دهه‌های اخیر توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است. همچنین مفهوم خوداتکایی روستاهای گردشگری از مفاهیم کلیدی و تأثیرگذار در روستاها است که بسیاری از جوامع در زمینه توسعه پایدار و خودکفایی محلی آن را دنبال می‌کنند. تحقیق حاضر از نوع ترکیبی و از نظر هدف، کاربردی است. روش تحقیق آمیخته یا ترکیبی است و از رویکرد متوالی-اکتشافی بهره جسته است. در فاز اول، با استفاده از روش کیفی گروه کانونی، ابعاد و مؤلفه‌های اصلی مفهوم خوداتکایی از گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه در روستاهای گردشگری شناسایی و استخراج شدند. در مرحله دوم که از روش کمی پیمایش استفاده شده، درباره تأیید و اتقان آن‌ها نظر داده می‌شود. ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات در فاز اول، مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته است. داده‌ها از ۱۷ تن از خبرگان مرتبط گردآوری شدند. در فاز دوم، با استفاده از پرسشنامه اطلاعاتی جمع‌آوری شد. مطابق یافته‌های تحقیق، ۲۳۱ کد خام گردآوری شدند که با استفاده از رویکرد استقرایی در قالب ۸۳ مضمون کلیدی، ۲۴ مضمون یکپارچه‌کننده و چهار مضمون کلان دسته‌بندی شدند. همچنین در فاز دوم تمامی مؤلفه‌ها و شاخص‌های استخراج شده مورد تأیید قرار گرفتند. مطابق نتایج، نقش گردشگری روستایی جامعه‌محور، رکنی راهبردی در مفهوم خوداتکایی روستاهای گردشگری شهرستان سرعین است و استفاده از گردشگری روستایی جامعه‌محور می‌تواند به‌عنوان راهبرد احیای جوامع روستایی از منظر توسعه پایدار به‌کار گرفته شود.

کلیدواژه‌ها:

خوداتکایی، سرعین، گردشگری روستایی، گردشگری روستایی جامعه‌محور.

استناد: ایمانی، بهرام (۱۴۰۴). نقش گردشگری روستایی جامعه‌محور در توسعه مفهوم خوداتکایی روستاهای گردشگری؛ مورد مطالعه: شهرستان سرعین. توسعه محلی (روستایی-شهری). ۱۷ (۱): ۴۵-۶۱. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.395753.668922>



نویسندگان حق نشر و حقوق کامل انتشار را حفظ می‌کنند.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.395753.668922>

۱. مقدمه و بیان مسئله

گردشگری می‌تواند زمینه مناسبی را برای سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی فراهم سازد و فرصتی را در اختیار کشورهای کمتر توسعه‌یافته برای تحریک رشد اقتصادی خود در راستای افزایش تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی قرار دهد (نجفی کانی و نجفی، ۱۴۰۰: ۱۰). مشارکت جامعه محلی در توسعه محصولات گردشگری در مناطق روستایی، نیاز اصلی برای تضمین پایداری توسعه گردشگری روستایی است (برامول^۱، ۲۰۱۰: ۱۲؛ بایرید و همکاران^۲، ۲۰۰۹: ۴۵؛ ژو و همکاران^۳، ۲۰۱۴: ۷۸). جامعه محلی می‌تواند در توسعه محصولات گردشگری به شکل تصمیم‌گیری و به‌اشتراک‌گذاری منافع مشارکت کند. مشارکت در تصمیم‌گیری به این معنی است که جامعه این فرصت را دارد که امیدها، خواسته‌ها و نگرانی‌های خود را در مورد توسعه محصولات گردشگری بیان کند که به نوبه خود یک ورودی در فرایند برنامه‌ریزی محصول گردشگری است (گان و وار^۴، ۲۰۰۲: ۱۶). هدف توسعه روستایی بهبود جنبه‌های مختلف مناطق روستایی است. ساختار اقتصادی و چشم‌انداز جوامع روستایی بیشتر متکی به کشاورزی و منابع طبیعی است (کولیبالی و لی^۵، ۲۰۲۰: ۶؛ سادوفسکا و همکاران^۶، ۲۰۲۰؛ اندرسون^۷، ۲۰۱۸). در نتیجه، راهبردهای تأثیرگذار برای بهبود درآمد، تنوع‌بخشیدن به اقتصاد، ایجاد زیرساخت‌ها و افزایش کیفیت زندگی برای ساکنان روستایی تلاش می‌کنند (ادیبا و همکاران^۸، ۲۰۱۶: ۱۰۸). این اغلب مستلزم حمایت از صنایع سنتی روستایی مانند کشاورزی، ماهیگیری و جنگلداری است. در عین حال، بخش‌های اقتصادی جدیدی را نیز پرورش می‌دهد که از دارایی‌های محلی استفاده می‌کنند (فرانکس^۹، ۲۰۰۲: ۵۱). از آنجا که مناطق روستایی اغلب دارای زیبایی طبیعی و میراث فرهنگی گسترده هستند، ابتکارات گردشگری می‌تواند این ویژگی‌ها را به بازدیدکنندگان ارتقا دهد و در عین حال برای جوامع محلی درآمد ایجاد کند (سوتومو و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۴: ۴۵۳).

گردشگری روستایی اغلب با پیروی از یک رویکرد از بالا به پایین که توسط سیاست‌ها و برنامه‌های دولت هدایت می‌شود، توسعه می‌یابد (سیتومورانگ و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۹: ۲۷؛ متاپوری و جیامپیکولی^{۱۲}، ۲۰۱۶: ۲۵). این می‌تواند سبب توسعه‌ای شود که بیشتر با دیدگاه‌های بازیگران برون‌زا همسو باشد تا اهداف و ارزش‌های جامعه محلی. مقاصد روستایی نیز ممکن است به گونه‌ای تکامل یابد که به نفع ساکنان نباشد یا فرهنگ و محیط‌های محلی را حفظ نکند (جیامپیکولی و متاپوری^{۱۳}، ۲۰۱۲: ۳۲). در پاسخ، گردشگری روستایی جامعه‌محور یا گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه^{۱۴} به عنوان یک مدل جایگزین ظاهر شده است که جوامع محلی را به عنوان تصمیم‌گیرندگان کلیدی در توسعه گردشگری روستایی قرار می‌دهد (اوهه^{۱۵}، ۲۰۲۰). این نوع از گردشگری کنترل و مشارکت

-
1. Bramwell
 2. Byrd et al.
 3. Zou et al.
 4. Gunn & Var
 5. Coulibaly & Li
 6. Sadovska et al.
 7. Anderson
 8. Adiyia et al.
 9. Francks
 10. Sutomo et al.
 11. Situmorang et al.
 12. Mtapuri & Giampiccoli
 13. Giampiccoli & Mtapuri
 14. Community-Based Rural Tourism (CBRT)
 15. Ohe

جامعه را تقویت می‌کند و ساکنان را قادر می‌سازد تا رشد گردشگری را براساس اولویتهای خود هدایت کنند (موریسون و بوهایلیس^۱، ۲۰۲۴). با نگاهی به این توضیحات، گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه دارای پتانسیل چشمگیری برای تقویت خوداتکایی جامعه در مناطق روستایی است (نیمبل^۲، ۲۰۲۳). درواقع، گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه با توانمند ساختن جوامع روستایی برای استفاده بهینه از داراییهای محلی، از جمله منابع طبیعی، میراث فرهنگی، دانش سنتی، ساختمانها، غذاها و... خوداتکایی را القا می‌کند و آنها را به محصولات گردشگری تبدیل می‌کند که بازده اجتماعی-اقتصادی برای مردم محلی ایجاد می‌کند (جیامپیچولی و متاپوری، ۲۰۱۲: ۳۳). همچنین به تقویت ظرفیت جامعه کمک می‌کند و زمین بازی را برای جوامع روستایی که قبلاً به دلیل کمبود فرصت، منابع یا حمایت خارجی در معرض خطر قرار داشتند، هموار می‌سازد (مناف و همکاران^۳، ۲۰۱۸: ۲).

اگرچه تحقیقات پیشین به خوبی به بررسی نقش گردشگری در تقویت پایداری و تابآوری جوامع روستایی پرداخته‌اند، رابطه مستقیم میان گردشگری مشارکتی و استقلال اقتصادی-اجتماعی روستاها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این مطالعه، خوداتکایی به قابلیت سکونتگاه‌های روستایی در برآوردن نیازهای اساسی (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) با تکیه بر منابع بومی و با کمترین میزان وابستگی به نهادهای بیرونی تعریف می‌شود (ببینگتون^۴، ۱۹۹۹).

منطقه مورد مطالعه این پژوهش، سرعین، به عنوان یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری تندرستی و اکوتوریسم کشور شناخته می‌شود. این شهرستان با برخورداری از جاذبه‌های منحصربه‌فردی مانند منابع آبگرم، چشم‌اندازهای طبیعی خیره‌کننده و غنای فرهنگی، بستر مناسبی برای تحلیل این موضوع فراهم می‌آورد. با وجود این، مشاهدات میدانی حاکی از وجود برخی تنگناها از جمله توزیع ناعادلانه مزایای گردشگری، آسیب‌های زیست‌محیطی و کمرنگ‌شدن نقش مردم بومی در فرایندهای تصمیم‌سازی است (اداره کل میراث فرهنگی استان اردبیل، ۱۴۰۲). این یافته‌ها گویای آن است که توسعه صنعت گردشگری در این ناحیه به‌خودی‌خود نتوانسته است ضامن استقلال جوامع محلی باشد و بازتعریف سازوکارهای مدیریتی را ضروری می‌سازد.

تحقیقات بیشتر در این زمینه، ضمن فراهم‌سازی درک این مفهوم مهم می‌توانند مفهوم خوداتکایی را از طریق گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه در زمینه‌های مختلف روستایی امکان‌پذیر کنند و مزایا و منافع حاصل از آن را سبب شوند. همان‌طور که در مبانی نظری مرتبط با گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه ملاحظه می‌شود، تحقیقات و بررسی‌های قبلی بیشتر با مفاهیم تاب‌آوری و پایداری جامعه روستایی و... مرتبط بودند و تحقیقی که بتواند این مفهوم مهم را در بستر خوداتکایی روستاهای گردشگرپذیر بررسی کرده باشد، ملاحظه نمی‌شود؛ چرا که بیشتر تحقیقات مرتبط، فهم جامعی را درمورد اینکه چگونه خوداتکایی می‌تواند در بستر گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه موجب ایجاد ابتکارات و مزایای متعاقب شود ارائه نمی‌کنند. به همین سبب، این تحقیق با ترکیب چارچوب نظری خوداتکایی و گردشگری جامعه‌محور درصدد است تا شکاف موجود در مطالعات درباره آثار کیفی گردشگری بر استقلال روستاها را پر کند. انتخاب سرعین به عنوان مطالعه موردی، با توجه به هم‌زمانی ظرفیت‌های چشمگیر و چالش‌های مدیریتی می‌تواند چارچوبی ارزشمند برای سایر مناطق مشابه در سطح کشور ارائه کند.

از همین‌رو، ضرورت دارد تا با عطف به مباحث فوق و با به‌کارگیری کاوش‌های جدیدتر در محدوده‌های روستایی گردشگرپذیر، مفهوم خوداتکایی در گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه در روستاهای گردشگرپذیر تبیین شود. از آنجا که جوامع مختلف دارای

1. Morrison & Buhalis

2. Nimble

3. Manaf et al.

4. Bebbington

ویژگی‌های اجتماعی متفاوتی هستند، بررسی خوداتکایی جامعه روستایی در روستاهای گردشگری پذیر با رشد سریع در یک کشور در حال توسعه، سهم تجربی، عملی و نظری را به بدنه تحقیقاتی این حوزه اضافه می‌کند. در این تحقیق، روستاهای شهرستان سرعین به عنوان محدوده مورد مطالعه در نظر گرفته شده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

مفهوم خوداتکایی^۱ ریشه در اندیشه‌های رالف والدو امرسون (۱۸۰۳-۱۸۸۲)، فیلسوف برجسته عصر نوزایی آمریکایی، دارد که در سال ۱۸۴۱ در مقاله معروف «خوداتکایی»، آن را فضیلتی اخلاقی و اجتماعی معرفی کرد. این مفهوم در طول زمان تحولات نظری قابل توجهی یافته است. در دوران معاصر، خوداتکایی از دو منظر فردی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

از منظر فردی، خوداتکایی ظرفیت روان‌شناختی فرد برای تکیه بر توانمندی‌های شخصی است که با مؤلفه‌هایی مانند خودکارآمدی، استقلال فکری و مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی همراه است (شاومبرگ و فلین^۲، ۲۰۱۷: ۱۸۶۳). مطالعات نشان می‌دهد این ویژگی ارتباط معناداری با شاخص‌های سلامت روان و رضایت از زندگی دارد.

در سطح اجتماعی، سازمان‌های بین‌المللی مانند کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل^۳ خوداتکایی را به عنوان توانایی نظام‌مند جامعه در تأمین نیازهای اساسی اعضایش تعریف می‌کنند (جیمیسون و چیساکالا^۴، ۲۰۱۶: ۱۹۴). این نگاه در برنامه‌های توسعه پایدار به ویژه در جوامع روستایی کاربرد گسترده‌ای یافته است.

در حوزه گردشگری روستایی، پژوهش‌های اولیه بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی خوداتکایی متمرکز بودند (پوسیری، ۲۰۰۷)، اما مطالعات جدیدتر نشان داده‌اند که خوداتکایی جامعیتی چندبعدی است و ابعاد فرهنگی، اجتماعی و محیط‌زیستی را نیز دربرمی‌گیرد (هوتاگالونگ و همکاران^۵، ۲۰۲۲: ۱۱۵۳)؛ برای مثال، پوری^۶ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای در جوامع روستایی تایلند نشان داد خوداتکایی فرهنگی پیش‌نیاز موفقیت پروژه‌های گردشگری جامعه‌محور است.

تحول تاریخی رویکردهای توسعه روستایی نشان می‌دهد گردشگری جامعه‌محور در واکنش به شکست برنامه‌های توسعه از بالا به پایین در دهه ۱۹۷۰ ظهور کرد (مناف و همکاران، ۲۰۱۸). این رویکرد ابتدا در پروژه‌های اکوتوریستی آمریکای لاتین و سپس در سایر مناطق جهان گسترش یافت. مطالعات میدانی در روستاهای اندونزی (سوتومو و همکاران، ۲۰۲۴) و مالزی (کایات^۷، ۲۰۱۴: ۲) نشان داده‌اند مدل‌های مشارکتی گردشگری بیشترین تأثیر را در تقویت خوداتکایی جوامع محلی داشته‌اند.

۳. چارچوب مفهومی و نظری

نقش محوری گردشگری در فقرزدایی در طول سال‌ها افزایش یافته و این امر بسیاری از محققان را به نوشتن گسترده درمورد موضوعات گردشگری جامعه‌محور جذب کرده است (رونووا^۸، ۲۰۱۷: ۵). گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه، از مفهوم گردشگری

1. Self-reliance

2. Schaumberg & Flynn

3. United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)

4. Jamieson & Chisakala

5. Hutagalung et al.

6. Puri

7. Kayat

8. Runyowa

جامعه‌محور یا گردشگری مبتنی بر جامعه اقتباس شده است که در آن، همکاری کلیدواژه اساسی تلقی می‌شود (مناف و همکاران، ۲۰۱۸). گردشگری جامعه‌محور در دهه ۱۹۷۰ به‌عنوان واکنشی به پیامدهای مخرب مدل توسعه گردشگری انبوه بین‌المللی پدید آمد که در ابتدا بیشتر برنامه‌های آن با جوامع کوچک روستایی و حفاظت از طبیعت از طریق اکوتوریسم مرتبط بودند (هوتاگالونگ و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۱۵۲).

گردشگری جامعه‌محور دارای پتانسیل بسیار زیادی برای ایجاد توسعه و تحول جامعه است؛ زیرا یک رویکرد توسعه نهادی نوآورانه است که در آن، کنترل توسعه گردشگری و سرمایه‌گذاری توسط جوامع حفظ می‌شود (متاپوری و جیامپیچولی، ۲۰۲۰).

در این زمینه، مطالعات مختلفی انجام شده که چندین ویژگی گردشگری روستایی جامعه‌محور را فهرست کرده‌اند و مشارکت جامعه در برنامه فعالیت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی گردشگری روستایی جامعه‌محور مورد توافق قرار گرفته است (عبدالرزاق و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۴؛ گودوین و سانتلی، ۲۰۰۹: ۷). به عبارت دیگر، پروژه باید تحت مالکیت، مدیریت و سازمان‌دهی خود جامعه باشد تا از مزایای جمعی برنامه برای اعضای جامعه برخوردار شود. ویژگی مهم دیگر برنامه گردشگری روستایی جامعه‌محور این است که به بازدیدکنندگان اجازه دهد تا سبک زندگی جامعه را به‌عنوان راهی برای یادگیری فرهنگ سنتی میزبانان تجربه کنند (کایات، ۲۰۱۴: ۲).

درواقع، اهمیت گردشگری روستایی جامعه‌محور در پتانسیل آن برای تغییر و ارتقای زندگی افراد جامعه از طریق فعالیت‌های گردشگری است (عبدالرزاق و همکاران، ۲۰۱۲؛ گودوین و سانتلی، ۲۰۰۹). گردشگری دریچه‌ای از فرصت‌ها را برای جوامع محلی برای تقویت وضعیت اقتصادی خود باز می‌کند و در برخی موارد ممکن است به کاهش فقر منجر شود (کایات، ۲۰۱۴). علاوه‌براین، برنامه‌های گردشگری روستایی جامعه‌محور ممکن است به منبعی برای توانمندسازی به‌ویژه در میان جوانان و زنان تبدیل شود. هدف گردشگری روستایی جامعه‌محور، گسترش منافع حاصل از فعالیت‌های گردشگری به جامعه در مناطق روستایی در ازای مشارکت آن‌ها در فرایند توسعه و همچنین در حین فروش و تحویل محصولات و خدمات است (اوکچ و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۸).

توسعه گردشگری در نواحی روستایی می‌تواند عملکردهای مختلفی ایفا کند که از جمله می‌توان به نقش آن در ساختار و ویژگی‌های اجتماعی محل ظهور این فعالیت اشاره کرد. آثار اجتماعی و فرهنگی گردشگری شیوه‌هایی هستند که در آن، گردشگری تغییراتی را در نظام‌های ارزشی، رفتار فردی، روابط گروهی، سبک و شیوه زندگی جمعی، مراسم‌های سنتی و سازمان‌های اجتماعی ایجاد می‌کند. این تغییرات درنهایت می‌تواند به توانمندسازی اجتماعی روستاییان منجر شود (حیدری ساربان و ملکی، ۱۳۹۳).

همچنین برای کاهش فقر و نابرابری‌های توسعه اقتصادی، چه در میان گروه‌های اجتماعی و چه بین مناطق روستایی و شهری، لازم است راهبرد توسعه گردشگری موسوم به گردشگری روستایی جامعه‌محور در نظر گرفته شود که جامعه را به بازیگران اصلی براساس جاذبه روستایی تبدیل می‌کند (سوتومو و همکاران، ۲۰۲۴). این بدان معنا است که از طریق تعداد ذی‌نفعان مشارکت‌کننده، جوامع محلی قادر به بقای خود باقی می‌مانند یا به بازیگران یا عوامل تعیین‌کننده اصلی مدیریت گردشگری تبدیل می‌شوند؛ به‌طوری‌که گردشگری مبتنی بر جامعه شکلی از گردشگری است که توسط جوامع محلی مدیریت و مالکیت می‌شود (اندرسون، ۲۰۰۷: ۴۷)، مانند فراهم کردن محل اقامت یا اقامتگاه کوچک برای بازدیدکنندگان (روکساس^۶ و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۹۰). همکاری

1. Abdul Razzaq et al.
2. Goodwin & Santilli
3. Kayat
4. Okech et al.
5. Andersson
6. Roxas

ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی توریستی همچنین سبب موارد زیر می‌شود: ۱. ایجاد کانال‌های ارتباطی که در آن ذی‌نفعان نیاز به ارتباط با آینده منطقه خود دارند؛ ۲. مشارکت‌دادن جامعه محلی در تصمیم‌گیری که در آن بیشتر جامعه مشارکتی ندارند؛ زیرا دانش آن‌ها از مفهوم محدود است؛ و ۳. گسترش همکاری ذی‌نفعان که در آن تصمیم مشترک برای حل مشکلات برنامه‌ریزی توسط ذی‌نفعان اصلی مستقل از یک جامعه بین‌سازمانی گرفته می‌شود (سیتومورانگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ سوتومو و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین انتظار می‌رود توانمندسازی جامعه از طریق برنامه گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه فرصت‌هایی را برای ایجاد ظرفیت جامعه محلی و همچنین سرمایه اجتماعی فراهم کند؛ جایی که افراد جامعه بتوانند به‌عنوان اعضای گردشگری و بازیگران در شبکه اجتماعی، سود کسب کنند (مناف و همکاران، ۲۰۱۸).

هرچه گردشگری روستایی بیشتر باشد، درآمدزایی بیشتری در میان ساکنان روستا ایجاد می‌شود که این امر بهبود معیشت و کاهش فقر در روستا را به دنبال دارد. این موضوع به‌نوبه خود سبب مثبت‌تر شدن دیدگاه روستاییان درباره گردشگری روستایی می‌شود. از این‌رو، جاذبه‌ها و مبادی گردشگری روستایی می‌توانند نقش مهمی در جذب گردشگر، افزایش میزان اشتغال، سودآوری و بهره‌وری اقتصادی در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی داشته باشند (شکوری و بهرامی، ۱۳۹۳).

مورفی^۱ (۱۹۸۵) نیز به اهمیت مشارکت جامعه در برنامه‌ریزی گردشگری اشاره می‌کند. مشارکت جامعه در فرایند برنامه‌ریزی گردشگری تعیین‌کننده پایداری توسعه گردشگری است؛ درحالی‌که مشارکت در اشتراک منافع گردشگری شامل این هدف است که جامعه حق کسب منافع اقتصادی، کیفیت زندگی و خدمات زیست‌محیطی را از توسعه محصولات گردشگری در مجاورت دارد (آدی‌کامپانا و همکاران^۲، ۲۰۱۹: ۸۴). محصولات گردشگری مبتنی بر جامعه را می‌توان براساس منابع گردشگری که در اختیار جوامع محلی است و مناسب با بازارهای هدفمند تولید کرد (گان و وار، ۲۰۰۲؛ سینگ و همکاران^۳، ۲۰۰۳؛ رید و همکاران^۴، ۲۰۰۹).

در عمل، گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه، جوامع را قادر می‌سازد تا پیشنهادهای گردشگری را توسعه دهند که تجارب معتبری را برای بازدیدکنندگان فراهم کند و درعین‌حال سنت‌ها، سبک زندگی و فرهنگ محلی را به‌طور دقیق نشان دهد (سوتومو و همکاران، ۲۰۲۴). این امر به گردش محلی درآمد در بین مشاغل گردشگری محلی منجر می‌شود (اوهه، ۲۰۲۰). ساکنان همچنین فرصت‌های شغلی منصفانه، کارآفرینی و آموزشی را به‌دست می‌آورند که امکان مشارکت مستقیم در بخش‌های گردشگری را براساس مهارت‌ها و علایقشان فراهم می‌کند (کایات، ۲۰۱۴). به‌طور خلاصه، از آنجا که مناطق روستایی تصمیمات پیچیده‌ای را درمورد توسعه گردشگری پایدار اتخاذ می‌کنند، گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه، مسیری پایه برای توسعه گردشگری روستایی با هدایت از درون ارائه می‌دهد (سوتومو و همکاران، ۲۰۲۴). درواقع، گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه با تقویت مشارکت، مشاوره و به‌اشتراک‌گذاشتن منافع در میان گروه‌های ذی‌نفع مختلف در یک جامعه روستایی می‌تواند به ایجاد نهادهای فراگیر جامعه و مکانیسم‌های عادلانه برای برنامه‌ریزی، اجرا و توزیع بازده گردشگری کمک کند که برای توسعه روستایی متکی‌به‌خود ضروری است (نیمبل، ۲۰۲۳؛ اوهه، ۲۰۲۰؛ مناف و همکاران، ۲۰۱۸؛ کایات، ۲۰۱۴).

بااین‌حال، چالش‌هایی در تبدیل اهداف خوداتکایی گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه به نتایج عملی وجود دارد. جوامع روستایی می‌توانند با بودجه محدود، مجموعه مهارت‌های ناکافی، درگیری داخلی، موانع دسترسی به بازار و سایر معایب منابع دست‌وپنجه نرم

1. Murphy
2. Adikampana et al.
3. Singh et al.
4. Reid et al.

کنند (ترجوس و همکاران^۱، ۲۰۰۸، ۱۷). ابتکارات گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه با مقاصد خوب ممکن است بدون حل چنین محدودیت‌هایی دچار تزلزل شود (سوتومو و همکاران، ۲۰۲۴).

درنهایت، با گذشت زمان مفهوم خوداتکایی تحولات بسیار یافته و امروزه در دسته خرد و کلان قرار دارد. خوداتکایی به پتانسیل جوامع در پاسخ به نیازهای مهم از طریق استفاده از منابع بومی اشاره دارد که ابعاد گوناگون، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیست‌محیطی را دربرمی‌گیرد.

الگوی گردشگری جامعه‌محور به‌عنوان پارادایمی نوین در توسعه، پاسخی به ناکارآمدی شیوه‌های سنتی برنامه‌ریزی متمرکز بوده است. این مدل با تأکید بر نقش محوری ساکنان محلی در کلیه فرایندهای برنامه‌ریزی، اجرا و بهره‌مندی، در پی دستیابی به اهداف کلیدی زیر است: استقرار مالکیت محلی بر منابع گردشگری، توزیع متوازن مزایای اقتصادی، صیانت از میراث فرهنگی و طبیعی، توسعه مشاغل پایدار و همه‌شمول، و ارتقای جایگاه اقشار آسیب‌پذیر (به‌ویژه زنان و نسل جوان).

شواهد پژوهشی از تجربیات جهانی حاکی از تأثیرگذاری چشمگیر این الگو در خوداتکایی جوامع روستایی است. با وجود این، موانعی مانند ضعف توان فنی، چالش‌های بازاریابی و اختلافات درونی می‌تواند کارآمدی این طرح‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. به‌طور خلاصه، گردشگری روستایی با ایجاد پیوندهای بین منابع محلی و فعالیت‌های گردشگری، قابلیت تبدیل به محرکی مؤثر در مسیر خوداتکایی جوامع روستایی را دارد. تحقق این چشم‌انداز مستلزم ایجاد چارچوب‌های نهادی کارآمد برای تضمین حضور مؤثر ذی‌نفعان محلی در تمامی مراحل توسعه گردشگری است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و به روش ترکیبی و رویکرد متوالی اکتشافی به بررسی موضوع پرداخته است. در این رویکرد، ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی گردآوری و تحلیل می‌شوند. در فاز اول، با استفاده از روش کیفی گروه کانونی، ابعاد و مؤلفه‌های اصلی مفهوم خوداتکایی در گردشگری روستایی مبتنی بر جامعه در روستاهای گردشگری‌پذیر شناسایی و استخراج شدند. در مرحله دوم که از روش کمی پیمایش استفاده شده، درباره تأیید و اتقان آن‌ها نظر داده می‌شود. ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات در فاز اول، مطالعات از نوع کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته است که از خبرگان حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی، جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، مدیریت شهری، جغرافیا، گردشگری، مدیریت دولتی و علوم سیاسی گردآوری می‌شوند. شیوه نمونه‌گیری در این فاز هدفمند بود. از ۱۷ تن از خبرگان این حوزه در دو گروه کانونی تخصصی مصاحبه‌هایی به عمل آمد. محورهای اصلی مصاحبه شامل تعریف عملیاتی «خوداتکایی در گردشگری روستایی» و «چالش‌ها و راهکارهای تحقق آن» بود. با گروه کانونی، دو جلسه ۹۰ دقیقه‌ای با ثبت صوتی و یادداشت‌برداری گفتگو شد. در جهت سوگیری تحقیق، تنظیم قواعد گفتگو توسط مدیر جلسه صورت گرفت و بازبینی متن مصاحبه‌ها توسط شرکت‌کنندگان انجام شد. سپس با استفاده از رویکرد کینگ و هاروکز^۲ (۲۰۱۰) کدگذاری صورت گرفت. در این شیوه کدگذاری که برگرفته از روش کیفی تحلیل مضمون است، ابتدا مصاحبه‌های اولیه در قالب کدهای خام قرار می‌گیرند. سپس با استفاده از رویکرد استقرایی (جزء به کل)، کدهای اولیه تجمع و به کدهای کلیدی تبدیل می‌شوند. در مرحله بعدی نیز کدهای کلیدی‌ای که در زمینه مفهومی و محتوایی با یکدیگر قرابت دارند، در تجمع با یکدیگر به

1. Trejos et al.

2. King & Horrocks

کدهای یکپارچه‌کننده تبدیل می‌شوند. در مرحله آخر نیز هریک از کدهای یکپارچه‌کننده مانند روال قبل، به کدهای کلان تبدیل می‌شوند. پس از این فاز، فاز دوم پژوهش یعنی فاز کمی صورت پذیرفت که با استفاده از ابزار پرسشنامه به بررسی هریک از مضامین مستخرج از فاز قبلی پرداخته شد. در این مرحله، علاوه بر خبرگان مرحله قبلی، از خبرگان اجرایی نیز استفاده شد که با نمونه‌گیری طبقه‌ای مورد شناسایی قرار گرفتند و ۵۳ نفر به پرسشنامه‌های محقق‌ساخته پاسخ دادند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته براساس چهار مضمون کلان کیفی که شامل ۲۴ گویه با مقیاس لیکرت پنج درجه است. به‌منظور روایی از روایی محتوایی استفاده شد که توسط پنج خبره تأیید شد ($CVR \geq 0.7$). برای پایایی نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج ۰/۷۸ تا ۰/۸۹ را نشان می‌دهد. در نتیجه پایایی پرسشنامه تأیید شد. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) برای بررسی برازش مدل استفاده شده است.

روش گروه کانونی یکی از روش‌های کیفی است که جمع‌آوری داده‌ها از طریق فرایند چرخه‌ای صورت می‌پذیرد (مرندا و همکاران^۱، ۲۰۲۴). محققان در این روش از تکنیک مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات کیفی درمورد یک موضوع یا موضوعات مختلف استفاده می‌کنند که این روش امکان ارائه و بررسی دیدگاه‌های مختلف از طریق بحث و گفتگو را می‌دهد (واگنر و همکاران^۲، ۲۰۲۴). این روش دارای مراحل زیر است:

- مرحله ۱: تعیین موضوع؛
- مرحله ۲: مشخص کردن محدوده تحقیق و فرضیه‌ها (در صورت لزوم)؛
- مرحله ۳: مشخص کردن سؤالات و محورهای گروه کانونی؛
- مرحله ۴: انتخاب یک ناظر یا مدیر مشترک پنل‌ها؛
- مرحله ۵: شناسایی و تعیین شرکت‌کنندگان پنل‌ها؛
- مرحله ۶: تشکیل گروه کانونی؛
- مرحله ۷: برگزاری گروه کانونی؛
- مرحله ۸: گردآوری داده‌ها و اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها و درنهایت، گزارش نتایج (جورج^۳، ۲۰۲۳).

۵. یافته‌های تحقیق

مطابق موارد ذکرشده در قسمت روش‌شناسی تحقیق، ابتدا به امر فاز اول تحقیق یعنی روش کیفی گروه کانونی صورت پذیرفت. در این مرحله تمامی مصاحبه‌شونده‌ها در گروه کانونی مشارکت داشتند و مصاحبه‌ها با اجازه هریک از آن‌ها ضبط شد و سپس در قالب مضامین کلیدی، یکپارچه‌کننده و کلان قرار گرفتند. در ادامه هریک از فازها توضیح داده می‌شود.

۵-۱. فاز اول: روش کیفی گروه کانونی

در این مرحله، ابتدا به امر خبرگان در پنل تخصصی گرد هم آمدند و جلسه حدود دو ساعت به طول انجامید. یکی از دلایل اصلی برای برگزاری گروه کانونی این بود که محیطی ایجاد کنیم که در آن شرکت‌کنندگان در صحبت کردن با یکدیگر احساس راحتی کنند.

موضوعات اصلی در این زمینه با عطف به شهرستان سرعین صورت پذیرفت که خبرگان منتخب نیز در این زمینه آشنایی کاملی داشتند. هریک از خبرگان در زمان‌های تعیین شده به سؤالات پاسخ دادند و مصاحبه‌های ضبط شده به صورت دستی رونویسی شد تا برای کدگذاری آماده شود. یکی از محققان با مقایسه چندین بار صدا و متن، رونویسی را بررسی و تصحیح کرد تا خطاها و اشکالات احتمالی شناسایی و اصلاح شوند. از نرم‌افزار برای تجزیه و تحلیل مکالمات استفاده نشد، بلکه کدگذاری به صورت دستی صورت گرفت. در پایان جلسات، مطالب گفته شده خلاصه شد و از مشارکت‌کنندگان سؤال شد که آیا چیزی کم است تا خبرگان نظرات تکمیلی‌شان را اعلام کنند. سپس محققان جریان گفتگو و همچنین هر بخش کدگذاری شده را به طور جداگانه تجزیه و تحلیل کردند تا مضامین اصلی را تعیین کنند. پس از رونویسی مصاحبه‌ها، ۲۳۱ کد خام یا اولیه گردآوری شد. با استفاده از رویکرد کینگ و هاروکز در بستر رویکرد استقرایی (جزء به کل)، محققان کدهای مشابه را تجمیع و برای آن‌ها نام مختص به خودشان را مرقوم کردند. این کدها کدهای کلیدی هستند. سپس هریک از کدهای کلیدی از لحاظ محتوایی و مفهومی به کدهای مشابه و مقارنی اشاره می‌کردند که آن‌ها را در دسته‌های مختص به خودشان تحت عنوان مضامین یکپارچه‌کننده جای گذاری کردند. همچنین در مرحله آخر، هریک از مضامین یکپارچه‌کننده در قالب مضامین کلان قرار گرفتند. تمامی موارد در جدول ۱ نمایه شده‌اند.

جدول ۱. مضامین کلان و یکپارچه‌کننده

ردیف	مضمون کلان (ابعاد)	مضمون یکپارچه‌کننده (مؤلفه‌ها)
۱	مدیریت روستایی	کیفیت محیط، توسعه پایدار روستایی، وضعیت ایمنی و امنیت در روستا، وضعیت جاده‌ها، وضعیت نظافت اماکن عمومی (مرتبط با گردشگری)، وجود مؤسسات بهداشتی و درمانی، وجود مؤسسات آموزشی، وجود مؤسسات فرهنگی و تفریحی
۲	عوامل فرهنگی و اجتماعی روستایی	تعامل و مشارکت محلی، انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، نگرش‌های فرهنگی-اجتماعی، رویکرد تعاون محوری، حس همکاری و همیاری
۳	اقتصاد روستایی	امکان کسب‌وکار و کارآفرینی، عملکرد مدیریت محلی، وضعیت فعالیت سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد، هزینه و درآمد مشاغل روستایی، رفاه و کیفیت زندگی روستایی
۴	خدمات گردشگری روستایی	وجود محصولات یا خدمات گردشگری، تنوع محصولات یا خدمات، انتظارات برای توسعه محصول یا خدمات، ابتکار و فرایند تصمیم‌گیری در ارائه محصولات یا خدمات، وجود بسترهای ارائه خدمات گردشگری روستایی

۲-۵. فاز دوم: روش کمی پیمایش

در این فاز، محققان تمامی ابعاد و مؤلفه‌های مستخرج از مرحله قبل را برای تأیید و رتبه‌بندی به خبرگان منتخب ارسال کردند تا از نظرات و دیدگاه‌های آن‌ها مطلع شوند. به همین منظور، پرسشنامه‌ای محقق ساخته با طیف پنج‌گانه لیکرت به خبرگان دسته دوم ارسال شد که ۵۳ پرسشنامه مسترد و تجزیه و تحلیل شد. نتایج با نرم‌افزارهای SPSS-27 و SmartPLS 4 تحلیل شدند. نتایج در جدول‌های ۲، ۳ و ۴ آمده است.

جدول ۲. پایایی سؤالات پرسشنامه

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	(AVE)
اقتصاد روستایی	۰/۸۸۷	۰/۹۱۷	۰/۶۸۹
خدمات گردشگری	۰/۹۴۵	۰/۹۵۸	۰/۸۲۱
عوامل فرهنگی و اجتماعی روستایی	۰/۸۳۱	۰/۸۷۷	۰/۵۴۵
مدیریت روستایی	۰/۸۰۴	۰/۸۵۳	۰/۵۲۶

آلفای کرونباخ نشان دهنده ثبات درونی بین گویه‌های هر متغیر است. در جدول ۲ ملاحظه می‌شود که آلفای کرونباخ کلیه متغیرها بالاتر از ۰/۷ است که این حاکی از پایایی خوب متغیرها است.

پایایی ترکیبی نشان دهنده هماهنگی بین گویه‌ها برای اندازه‌گیری یک متغیر مکنون است. تفسیر جدول ۲ نشان می‌دهد تمام متغیرها پایایی ترکیبی عالی دارند (همگی بالای ۰/۸۵). واریانس استخراج شده (AVE) نشان می‌دهد یک متغیر مکنون چقدر از واریانس گویه‌هایش را تبیین می‌کند. مقدار قابل قبول بالاتر از ۰/۵ است؛ یعنی حداقل ۵۰ درصد واریانس گویه‌ها به وسیله سازه توضیح داده شود. مطابق نتایج، کلیه متغیرها روایی قابل قبول دارند.

جدول ۳. روایی افتراقی

متغیر	اقتصاد روستایی	خدمات گردشگری	عوامل فرهنگی و اجتماعی روستایی	مدیریت روستایی
اقتصاد روستایی	۰/۸۳۰			
خدمات گردشگری	۰/۲۶۵	۰/۹۰۶		
عوامل فرهنگی و اجتماعی روستایی	۰/۶۰۱	۰/۲۳۸	۰/۷۳۸	
مدیریت روستایی	۰/۴۴۷	۰/۲۹۹	۰/۳۵۰	۰/۶۵۲

مطابق یافته‌های جدول ۳، اعداد روی قطر (اعداد مورب) نشان دهنده جذر واریانس استخراج شده (√AVE) برای هر متغیر هستند. این مقادیر باید بیشتر از همبستگی بین آن متغیر با سایر متغیرها باشد تا روایی افتراقی تأیید شود. طبق نتایج روایی افتراقی تأیید می‌شود.

جدول ۴. یافته‌ها و مقادیر P، آماره t، میانگین، انحراف استاندارد و اولویت مؤلفه‌ها

مؤلفه‌ها	میانگین	β	مقادیر P	T	R2	Q2	انحراف استاندارد (STDEV)
اقتصاد روستایی	۳/۹۱۴۳	۰/۸۲۰	۰/۰۰۰	۱۵/۷۵۵	۰/۶۷۲	۰/۳۷۴	۰/۰۵۲
خدمات گردشگری	۳/۹۴۸۶	۰/۵۹۷	۰/۰۰۷	۲/۸۰۶	۰/۳۵۷	۰/۲۳۷	۰/۲۱۳
عوامل فرهنگی و اجتماعی روستایی	۴/۴۷۶۲	۰/۷۶۳	۰/۰۰۰	۸/۹۱۶	۰/۵۸۲	۰/۲۴۷	۰/۰۸۶
مدیریت روستایی	۴/۲۰۳۶	۰/۷۱۶	۰/۰۰۰	۹/۲۰۳	۰/۵۱۲	۰/۱۵۴	۰/۰۷۸

همان‌طور که در جدول ۴ آمده، این جدول نتایج مدلسازی معادلات ساختاری را نشان می‌دهد که شامل شاخص‌های ارزیابی روابط بین متغیرهای پنهان (سازه‌ها) است. تفسیر هر ستون به شرح زیر است:

بالاترین میانگین عوامل فرهنگی و اجتماعی ۴/۴۷ است که می‌تواند نشان دهنده اهمیت بالای این مؤلفه از دید پاسخ‌دهندگان باشد. کمترین میانگین اقتصاد روستایی ۳/۹۱ است که می‌تواند نشان دهنده ضعف در عملکرد این حوزه باشد. ضریب مسیر (β) شدت تأثیر هر سازه بر متغیر وابسته (یا سازه هدف) را نشان می‌دهد که اقتصاد روستایی ($\beta=۰/۸۲۰$) قوی‌ترین تأثیر را دارد. خدمات گردشگری ($\beta=۰/۵۹۷$) ضعیف‌ترین تأثیر را در مدل دارد. تمام مقادیر $P < ۰/۰۵$ هستند. در نتیجه روابط معنادارند.

برای میزان اطمینان از معناداری رابطه از شاخص آماره T (T-Value) استفاده می‌شود. $T > ۱/۹۶$ نشان‌دهنده معناداری در سطح ۹۵ درصد است که طبق جدول ۴ کل متغیرها معنادار هستند.

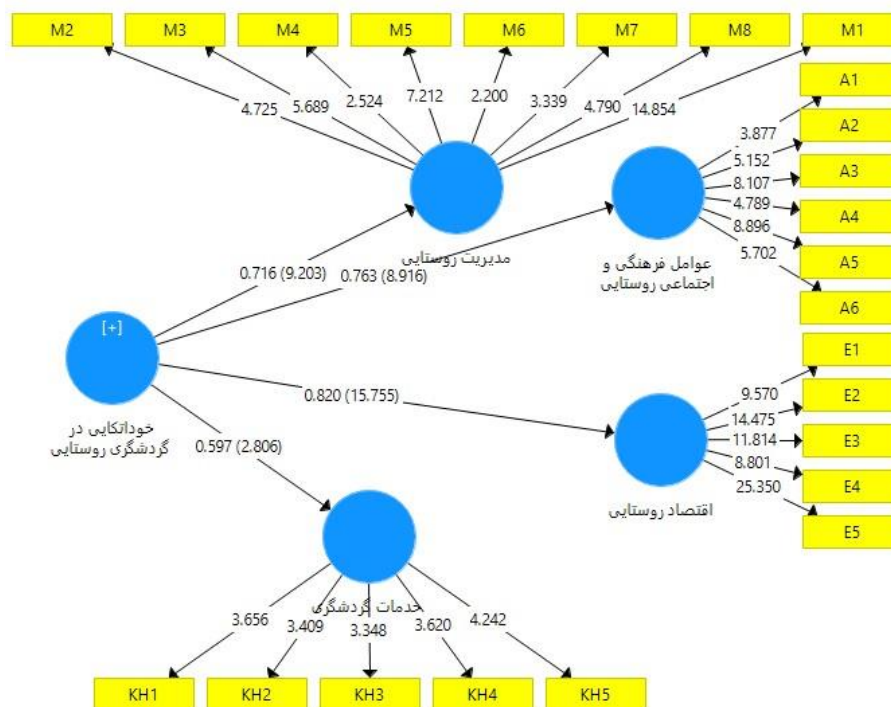
ضریب تعیین (R^2) میزان تبیین متغیر وابسته توسط مدل را نشان می‌دهد. سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی بودن برازش بخش ساختاری مدل به‌وسیله معیار R^2 تعریف شده است. ضرایب تبیین خدمات گردشگری ($R^2 = ۰/۳۵۷$)، عوامل فرهنگی و اجتماعی روستایی ($R^2 = ۰/۵۸۲$) و مدیریت روستایی ($R^2 = ۰/۵۱۲$) متوسط و ضریب تبیین اقتصاد روستایی ($R^2 = ۰/۶۷۲$) بالا است.

صفر $Q^2 >$ نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی مدل است. اقتصاد روستایی ($Q^2 = ۰/۳۷۳$) بیشترین قدرت پیش‌بینی و مدیریت روستایی ($Q^2 = ۰/۱۵۴$) کمترین قدرت پیش‌بینی را دارد. انحراف استاندارد (STDEV) پراکندگی داده‌ها حول میانگین را نشان می‌دهد که خدمات گردشگری (۰/۲۱۳) بیشترین پراکندگی را دارد. به عبارتی نظرات پاسخ‌دهندگان متنوع‌تر است. اقتصاد روستایی (STDEV=۰/۰۵۲) کمترین پراکندگی را دارد که نشان‌دهنده اجماع بیشتر در پاسخ‌ها است. همچنین مقدار نیکویی برازش ۰/۳۶۶ محاسبه شد که نشان از برازش مدل دارد.

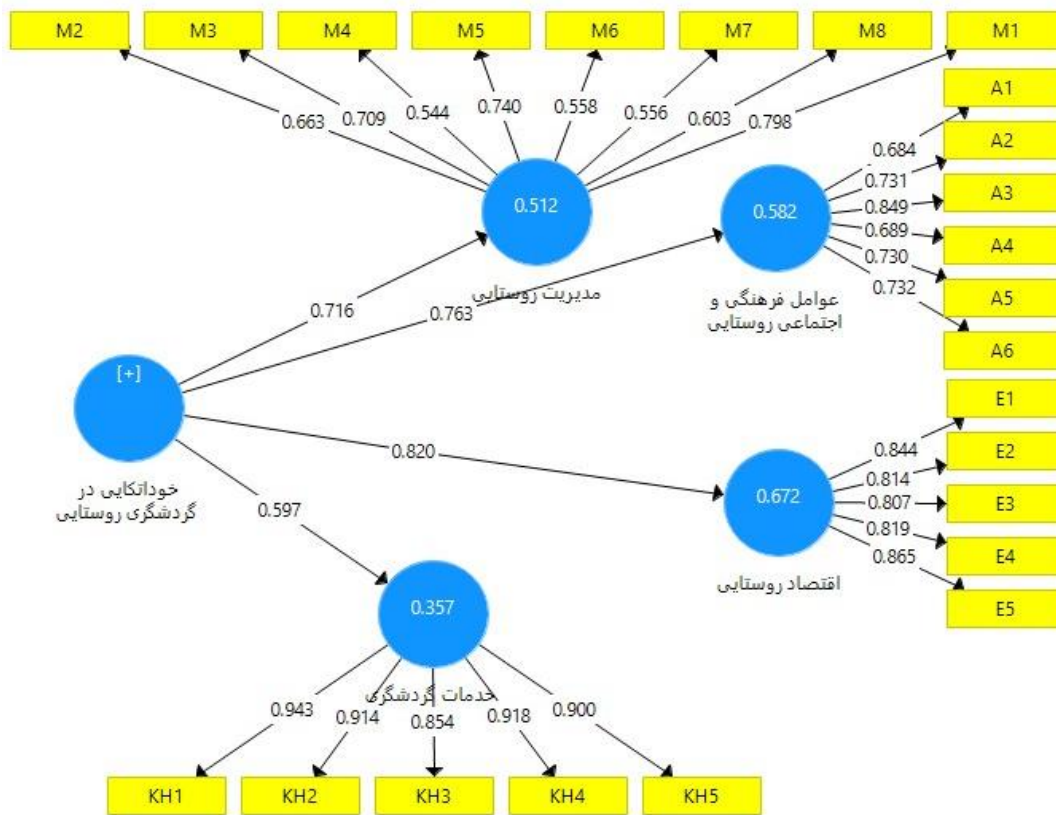
$$GoF = \sqrt{communalities \times \bar{R}^2}$$

$$\sqrt{(۰/۲۵۳ * ۰/۵۳۰)} = ۰/۳۶۶$$

در شکل‌های ۱ و ۲، ضرایب مسیر در حالت‌های معناداری و استاندارد نشان داده شده‌اند.



شکل ۱. ضرایب مسیر در حالت معناداری



شکل ۲. ضرایب مسیر در حالت استاندارد

مطابق ضرایب مسیر شکل‌های ۱ و ۲ تمامی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها مورد تأیید هستند و از میان مؤلفه‌ها، مؤلفه فرهنگی و اجتماعی روستایی بیشترین ضریب را دارد. در ادامه به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در این تحقیق ملاحظه شد، گردشگری روستایی جامعه‌محور در تبیین مفهوم خوداتکایی روستاهای گردشگری‌پذیر نقش مهم و اساسی دارد. گردشگری مبتنی بر جامعه که بر جامعه محلی به‌عنوان کانون اصلی فعالیت‌های گردشگری تأکید دارد، به‌عنوان یک راه‌حل امیدوارکننده برای مسائل و مشکلات اجتماعی-اقتصادی و... در مناطق روستایی، به‌ویژه در روستاهای گردشگری‌پذیر در نظر گرفته می‌شود. مطابق با یافته‌های فاز کیفی، چهار مضمون کلان و ۲۴ مضمون یکپارچه‌کننده به‌عنوان مؤلفه‌ها و شاخص‌های گردشگری روستایی جامعه‌محور در ایجاد خوداتکایی روستاهای گردشگری‌پذیر شهرستان سرعین شناسایی و تبیین شدند. درواقع، این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها هستند که معنای خوداتکایی حاصل از گردشگری روستایی جامعه‌محور را عرضه می‌کنند. از میان مؤلفه‌ها، مؤلفه فرهنگی-اجتماعی روستایی به‌عنوان اولویت نخست استخراج شد. شاخص‌های تشکیل‌دهنده این مؤلفه عبارت‌اند از: تعامل و مشارکت محلی؛ انسجام اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی؛ نگرش‌های فرهنگی-اجتماعی؛ رویکرد تعاون‌محوری؛ و حس همکاری و همیاری. یافته‌های پیش‌های مهمی را درمورد چگونگی خوداتکایی و دلایل آن ارائه می‌کنند. سازمان‌دهی و مدیریت طرح‌ها مرهون چنین مؤلفه‌هایی

است و نیاز است تا با توجه به فرصت‌های به‌وجودآمده، با عطف به چنین مؤلفه‌هایی، مفهوم خوداتکایی در جامعه روستایی را عرضه کرد. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد گردشگری روستایی جامعه‌محور می‌تواند به‌عنوان راهبرد احیا برای جوامع غیرشهری از نظر توسعه اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، زیست‌محیطی و تفریحی و آموزشی مفید باشد که به‌نوعی خوداتکایی در آن‌ها تداعی شود. این یافته‌ها نشان می‌دهد نقش گردشگری روستایی جامعه‌محور، رکنی راهبردی در مفهوم خوداتکایی روستاهای گردشگری‌پذیر شهرستان سرعین است. خوداتکایی در جوامع گردشگری‌پذیر روستایی موجب می‌شود تا جنبه‌های مختلف روستاها و جوامع محلی ساکن در آن، در راستای توسعه گردشگری سودمحور گام بردارند تا به ترویج توسعه پایدار کمک کنند. این مقوله موجب می‌شود تا روستاهای سنتی به مکان‌های درآمدزا و اقتصادی تبدیل شوند و حفظ معیشت سنتی و تنوع‌بخشیدن به معیشت قبلی آن‌ها بیش از پیش بیشتر شود. همچنین توانایی روستاهای گردشگری‌پذیر برای حفظ شخصیت روستایی و برند مکان خود افزایش پیدا می‌کند و درعین‌حال اصالت گردشگری روستایی را تقویت می‌کند که این یکی از نمودهای اصلی خوداتکایی است. با حفظ اصالت ذاتی روستاهای سنتی، می‌توان حس پیوند و وفاداری را در بین گردشگران تقویت کرد و گردشگری روستایی جامعه‌محور تسریع‌کننده مهمی در این زمینه است. گردشگری روستایی جامعه‌محور موجب می‌شود مضامین فرهنگی-اجتماعی در روستاها بیشتر مورد توجه قرار گیرند و ایجاد گردشگری روستایی در روستاهای سنتی حول محور نیازها و رفاه روستاییان باشد. حتی از دیدگاه محیطی و کالبدی نیز قابل‌احصا است و مشکلات فضایی و مکانی را برجسته‌تر می‌کند تا تصمیم‌گیری‌های مختلفی در قبال آن صورت پذیرد. در این صورت، هم گردشگران و هم جامعه میزبان متوجه خواهند شد که خوداتکایی در روستای گردشگری‌پذیر عمیقاً ریشه در ارزش‌های برگرفته از خرد محلی دارد که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ یعنی فرایند توسعه گردشگری با تعهد حفاظت و حفظ جاذبه‌های گردشگری و همچنین مشارکت در ایجاد محیطی امن، منظم، تمیز و... صورت می‌پذیرد و خدمات گردشگری نیز به بهترین و باکیفیت‌ترین حالت ممکن ارائه می‌شود. از این‌رو گردشگری روستایی به‌عنوان یکی از گزینه‌های توسعه به‌عنوان نوشدارویی برای بهبود سطوح فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... مناطق حاشیه‌نشین، تحریک بازآفرینی اجتماعی و بهبود شرایط زندگی جوامع روستایی مطرح می‌شود. همچنین گردشگری روستایی جامعه‌محور می‌تواند موجب تبادل فرهنگی، احیای فعالیت‌های فرهنگی، ارتقای یکپارچگی اجتماعی مشارکت جامعه، حفظ میراث فرهنگی، حفاظت و ارتقای ارزش‌های فرهنگی بومی، ارتقای کارآفرینی ساکنان محلی و... شود که با عطف به مضامین استخراج‌شده، همگی در راستای خوداتکایی روستاها هستند. درواقع، خوداتکایی یکی از این تلاش‌ها است؛ به‌نوعی برنامه توانمندسازی‌ای است که برای تغییر و افزایش آگاهی، دانش و مهارت‌های جامعه به‌منظور دستیابی به خودکفایی محلی و درعین‌حال استفاده از پتانسیل محلی انجام می‌شود. این مقوله موجب می‌شود مشارکت ساکنان محلی بیشتر شود، تعداد روستاهای توریستی خودپایدار افزایش یابد و به بهترین گزینه برای فعالیت‌های گردشگری برای رفاه جامعه تبدیل شود. این مطالعه چارچوب‌های اصلی نقش گردشگری روستایی جامعه‌محور در تبیین مفهوم خوداتکایی روستاهای گردشگری‌پذیر را شناسایی و تبیین می‌کند که می‌تواند در ادامه این روند مطلوب، به توسعه پایدار روستایی نیز منجر شود. در جهت بهبود وضعیت خوداتکایی روستاهای گردشگری‌پذیر موارد زیر پیشنهاد می‌شود: ایجاد سیستم نظارتی مردمی برای بررسی وضعیت نظافت و کیفیت آب‌وهوا در منطقه گردشگری؛ ایجاد نهادهای متشکل از زنان، جوانان و پیشکسوتان در جهت تصمیم‌گیری‌هایی مهم منطقه و آموزش خانواده‌ها به‌منظور ارائه خدمات حرفه‌ای به گردشگران؛ توسعه جشن‌های محلی به‌عنوان جاذبه‌های گردشگری فرهنگی منطقه؛ راه‌اندازی کانال‌های مجازی و پلتفرم‌های آنلاین برای فروش محصولات بومی منطقه و معرفی جاذبه‌های گردشگری منطقه؛ بهسازی وضعیت تابلوها و مسیرهای گردشگری منطقه به‌منظور راحتی گردشگران و برگزاری تور با هدایت و مشارکت جوانان بومی منطقه.

مأخذ مقاله: مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «نقش گردشگری روستایی جامعه‌محور در تبیین مفهوم خوداتکایی روستاهای گردشگرپذیر (مورد مطالعه: شهرستان سرعین)»، با حمایت مادی و معنوی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی به شماره قرارداد ۱۴۰۴/د/۹/۴۳۱۳. در این مقاله تعارض منافعی وجود ندارد.

منابع

- حیدری ساربان، وکیل و ملکی، ابوذر (۱۳۹۳). ارزیابی نقش گردشگری روستایی در توانمندسازی اجتماعی روستایی (مورد مطالعه: روستای ده‌زیارت، شهرستان بوانات، استان فارس). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۶(۲)، ۲۷۹-۲۹۸.
<https://doi.org/10.22059/jrd.2014.54324>
- سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اردبیل. (۱۴۰۲). *گزارش سالانه وضعیت گردشگری شهرستان سرعین*. انتشارات اداره کل میراث فرهنگی اردبیل.
- شکوری، علی و بهرامی، شقایق (۱۳۹۳). مطالعه تأثیر گردشگری روستایی بر کاهش فقر از منظر معیشت پایدار: مورد روستاهای قلعه نو و کلین شهرستان ری. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۶(۱)، ۱-۲۴.
<https://doi.org/10.22059/jrd.2023.365233.668814>
- نجفی کانی، علی‌اکبر و نجفی، کبری (۱۴۰۰). ظرفیت‌سنجی گردشگری روستایی و نقش آن در توسعه فضایی و اقتصادی نواحی بیلاقی؛ مورد: بخش مرکزی شهرستان دماوند. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱۰(۳۵)، ۶۹-۹۰.
- Rasid, A., Mustafa, M. Z., Suradin, A., & Hassan, R. (2012). Community Capacity Building for Sustainable Tourism Development: Experience from Miso Walai Homestay. *Business and Management Review*, 2(5), 10-19.
<https://doi.org/10.1051/shsconf/20141201010>
- Adikampana, I. M., Sunarta, I. N., & Pujani, N. L. K. (2019). A model of community-based rural tourism products development. *Journal IPTA p-ISSN*, 2338, 8633. <http://dx.doi.org/10.24843/IPTA.2019.v07.i01.p11>
- Adikampana, I. M., Sunarta, I. N., & Negara, I. M. K. (2017). Arahana produk pariwisata berbasis masyarakat lokal di wilayah perdesaan. *Jurnal IPTA p-ISSN*, 5(2), 2017. <https://doi.org/10.24843/IPTA.2017.v05.i02.p02>
- Adiyia, B., De Rademaeker, S., Vanneste, D., & Ahebwa, W. M. (2017). Understanding local entrepreneurship and small enterprises in the tourism-development nexus: The case of western Uganda. *Development Southern Africa*, 34(1), 105-120. <https://doi.org/10.1080/0376835X.2016.1259991>
- Anderson, W. (2018). Linkages between tourism and agriculture for inclusive development in Tanzania: A value chain perspective. *Journal of Hospitality and Tourism Insights*, 1(2), 168-184. <http://dx.doi.org/10.1108/JHTI-11-2017-0021>
- Andersson, T. D. (2007). The tourist in the experience economy. *Scandinavian Journal of Hospitality and Tourism*, 7(1), 46-58. <https://doi.org/10.1080/1502250701224035>
- Ardabil Cultural Heritage, Tourism, and Handicrafts Organization. (2023). *Annual Report on the Tourism Status of Sarein County*. Publications of the General Directorate of Cultural Heritage of Ardabil. (In Persian)
- Bramwell, B., (2010), Participative Planning and Governance for Sustainable Tourism. *Tourism Recreation Research*, 35, 239-249. <https://doi.org/10.1080/02508281.2010.11081640>
- Bebbington, A. (1999). Capitals and capabilities: a framework for analyzing peasant viability, rural livelihoods and poverty. *World development*, 27(12), 2021-2044. [https://doi.org/10.1016/S0305-750X\(99\)00104-7](https://doi.org/10.1016/S0305-750X(99)00104-7)
- Byrd, E. T., Bosley, H. E., & Dronberger, M. G. (2009). Comparisons of stakeholder perceptions of tourism impacts in rural eastern North Carolina. *Tourism Management*, 30(5), 693-703.
<http://dx.doi.org/10.1016/j.tourman.2008.10.021>
- Coulibaly, B., & Li, S. (2020). Impact of agricultural land loss on rural livelihoods in peri-urban areas: Empirical evidence from Sebougou, Mali. *Land*, 9(12), 470. <https://doi.org/10.3390/land9120470>
- Francks, P. (2002). Rural industry, growth linkages, and economic development in nineteenth-century Japan. *Journal of Asian Studies*, 61(1), 33-55. <https://doi.org/10.2307/2700188>

- George, T. (2023). What is a Focus Group | Step-by-Step Guide & Examples.
<https://www.scribbr.com/methodology/focus-group/>
- Giampiccoli, A., & Mtapuri, O. (2012). Community-based tourism: An exploration of the concept (s) from a political perspective. *Tourism Review International*, 16(1), 29-43.
<http://dx.doi.org/10.3727/154427212X13431568321500>
- Goodwin, H., & Santilli, R. (2009). Community-based tourism: a success?. *ICRT Occasional Paper*, 11, 1-37.
<https://www.andamandiscoveries.com/press/press-harold-goodwin.pdf>
- Gunn, C. A., & Var, T., (2002), *Tourism Planning: Basics, Concepts, Cases*, Routledge, London.
https://api.pageplace.de/preview/DT0400.9781000101164_A40549995/preview-9781000101164_A40549995.pdf
- Hiedari Sarban, V., & Maleki, A. (2014). Assessment of rural tourism in the social empowerment of the Ziarat village's residents from Bavanat city in the province of Farce. *The Journal of Community Development (Rural-Urban)*, 6(2), 279-298. <https://doi.org/10.22059/jrd.2014.54324> (In Persian)
- Hutagalung, H., Purwana, D., Suhud, U., Mukminin, A., Hamidah, H., & Rahayu, N. (2022). Community self-reliance of rural tourism in Indonesia: An interpretative phenomenological analysis. *Qualitative Report*, 27(7).
<https://doi.org/10.46743/2160-3715/2022.5215>
- Jamieson, M., & Chisakala, D. (2016). How self-reliance is understood: Viewpoints from one local community in Malawi. *African Research Review*, 10(5), 193. <https://doi.org/10.4314/afrrrev.v10i5.14>
- Kayat, K. (2014). Community-based rural tourism: A proposed sustainability framework. In *SHS Web of Conferences* (Vol. 12, p. 01010). EDP Sciences. <https://doi.org/10.1051/shsconf/20141201010>
- King, N. & Horrocks, C. (2010) Interviews in qualitative research. Sage, London.
<https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=919308>
- Manaf, A., Purbasari, N., Damayanti, M., Aprilia, N., & Astuti, W. (2018). Community-based rural tourism in inter-organizational collaboration: How does it work sustainably? Lessons learned from Nglanggeran Tourism Village, Gunungkidul Regency, Yogyakarta, Indonesia. *Sustainability*, 10(7), 2142.
<https://doi.org/10.3390/su10072142>
- Merenda, T., Cannella, S., Denis, J., & Patris, S. (2024). Assistive products in pharmacy practice to optimize medications use for visually impaired patients: Focus groups to explore community pharmacists' opinions and expectations. *Exploratory Research in Clinical and Social Pharmacy*, 15, 100467.
<https://doi.org/10.1016/j.rcsop.2024.100467>
- Mtapuri, O., & Giampiccoli, A. (2020). Beyond rural contexts: community-based tourism for a better life in the city. *Advances in Hospitality & Tourism Research (AHTR): An International Journal of Akdeniz University, Tourism Faculty*, 8(2). <http://dx.doi.org/10.30519/ahtr.690184>
- Morrison, A. M., & Buhalis, D. (Eds.). (2024). *Routledge handbook of trends and issues in tourism sustainability, planning and development, management, and technology*. New York, NY: Routledge.
https://api.pageplace.de/preview/DT0400.9781000934212_A46625386/preview-9781000934212_A46625386.pdf
- Murphy, P. (2013). *Tourism: A community approach (RLE Tourism)*. Routledge.
<https://doi.org/10.4324/9780203068533>
- Mtapuri, O., & Giampiccoli, A. (2016). Towards a comprehensive model of community-based tourism development. *South African Geographical Journal= Suid-Afrikaanse Geografiese Tydskrif*, 98(1), 154-168.
<http://dx.doi.org/10.1080/03736245.2014.977813>
- Najafi kani, A., & Najafi, K. (2021). Rural tourism capacity measurement and its role in the spatial and economic development in mountain areas Case study: villages in the central district of Damavand township. *Serd*, 10(35), 69-90. (In Persian)
- Ohe, Y. (2020). *Community-based rural tourism and entrepreneurship*. Springer Singapore.
<http://dx.doi.org/10.1007/978-981-15-0383-2>
- Okech, R., Haghiri, M., & George, B. P. (2012). Rural tourism as a sustainable development alternative: An analysis with special reference to Luanda, Kenya. *CULTUR-Revista de Cultura e Turismo*, 6(3), 36-54.
<https://periodicos.uesc.br/index.php/cultur/article/view/291/300>

- Poosiri, P. (2007). Self-reliance of community enterprise: A case study of a Thap Lan Woman's Weaving group in Prachin Buri province. *Kasetsart Journal of Social Sciences*, 28(3), 357–366. <https://so04.tci-thaijo.org/index.php/kjss/article/view/246463/167433>
- Puri, A. (2017). Self reliance in relation to learning style of high school students. *IERJ: International Education & Research Journal*, 3(5), 110–111. <https://ierj.in/journal/index.php/ierj/article/view/821/825>
- George, E. W., Mair, H., & Reid, D. G. (2009). *Rural tourism development: Localism and cultural change*. Multilingual Matters. <http://dx.doi.org/10.21832/9781845411015>
- Roxas, F. M. Y., Rivera, J. P. R., & Gutierrez, E. L. M. (2020). Mapping stakeholders' roles in governing sustainable tourism destinations. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 45, 387-398. <https://doi.org/10.1016/j.jhtm.2020.09.005>
- Runyowa, D. (2017). Community-based tourism development in Victoria Falls, Kompisi Cultural Village: An entrepreneur's model. *African Journal of Hospitality, Tourism and Leisure*, 6(2), 1-7. https://www.academia.edu/66501263/Community_based_tourism_development_in_Victoria_Falls_Kompisi_Cultural_Village_an_entrepreneur_s_model
- Sadovska, V., Ekelund Axelsson, L., & Mark-Herbert, C. (2020). Reviewing value creation in agriculture—A conceptual analysis and a new framework. *Sustainability*, 12(12), 5021. <https://doi.org/10.3390/su12125021>
- Schaumburg, R. L., & Flynn, F. L. (2017). Self-reliance: A gender perspective on its relationship to communality and leadership evaluations. *Academy Management Journal*, 60(5), 1859-1881 <http://dx.doi.org/10.5465/amj.2015.0018>
- Shakoori, A., & Bahrami, S. (2014). A study of the rural tourism impact on poverty reduction using a sustainable livelihood perspective (Villages of Glaehnou and Galin in Rey County). *The Journal of Community Development (Rural-Urban)*, 6(1), 1-24. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.365233.668814> (In Persian)
- Singh, S., Timothy, D. J., & Dowling, R. K. (Eds.). (2003). *Tourism in destination communities*. Cabi Publishing. <https://www.cabidigitallibrary.org/doi/pdf/10.5555/20033017717>
- Situmorang, R., Trilaksono, T., & Japutra, A. (2019). Friend or Foe? The complex relationship between indigenous people and policymakers regarding rural tourism in Indonesia. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 39, 20-29. <https://doi.org/10.1016/j.jhtm.2019.02.001>
- Sutomo, Y. A. W., Sianipar, C. P., Basu, M., Onitsuka, K., & Hoshino, S. (2023). Tourism value chain: synthesizing value webs to support tourism development and planning. *Tourism Review*, 78(3), 726-746. <http://dx.doi.org/10.1108/TR-12-2021-0566>
- Sutomo, Y. A., Sianipar, C. P., Hoshino, S., & Onitsuka, K. (2024). Self-Reliance in Community-Based Rural Tourism: Observing Tourism Villages (Desa Wisata) in Sleman Regency, Indonesia. *Tourism and Hospitality*, 5(2), 448-471. <https://doi.org/10.3390/tourhosp5020028>
- Trejos, B., Nora Chiang, L. H., & Huang, W. C. (2008). Support networks for community-based tourism in rural Costa Rica. *The Open Area Studies Journal*, 1(1). <http://dx.doi.org/10.2174/1874914300801010016>
- Wagner, E., Bertholet-Thomas, A., Romier, M., Loin, L., Lemoine, S., Vignot, E., ... & Bacchetta, J. (2024). X-linked hypophosphatemia: The value of feedback focus groups to assess patient and caregiver needs. *European Journal of Medical Genetics*, 68, 104912. <https://doi.org/10.1016/j.ejmg.2024.104912>
- Zou, T., Huang, S., and Ding, P., (2014), Toward A Community-driven Development Model of Rural Tourism: The Chinese Experience, *International Journal of Tourism Research*, 16, 261-271. <http://dx.doi.org/10.1002/jtr.1925>